



رویکرد نظام‌های حقوقی به جایگاه پلیس در نظام کیفری مطالعه تطبیقی فرانسه، آلمان، انگلستان، ایران



دکتر رضا یاراحمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین
زهره کاظمی نسب، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

در نظام حقوقی کامن‌لا به دلیل تبعیت از نظام اتهامی، پلیس اختیارات گسترده در تحقیقات مقدماتی دارد؛ اما در نظام حقوقی رومی-ژرمنی^(۱) پلیس در فرآیند دادرسی ملزم به تبعیت و جلب نظر مقامات دادسرا در چهارچوب ارتباط سلسله‌مراتبی است و در نظام کیفری ایران نیز با تغییرات اندکی پلیس از مقامات قضایی تبعیت می‌کند. جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران و نحوه ارتباط آن با دستگاه قضایی از نظر نوع ارتباط آنها با یکدیگر که در قانون تعریف شده (ارتباط سلسله‌مراتبی) نیازمند بازنگری بوده و اعطای برخی از اختیارات در راستای برخورد با جرایم خرد به پلیس، ضمن حفظ تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی و تمرکززدایی از مأموریت‌های پیشگیری پلیس، به تقویت جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی منتهی می‌شود. ماهیت مقاله کاربردی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی و ترجمه قوانین کیفری تهیه و ارائه مطالب نیز به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. واژگان کلیدی: پلیس، نظام حقوقی کامن‌لا، نظام حقوقی رومی-ژرمنی، نظام کیفری ایران، فرآیند دادرسی

درآمد

بر اساس نظر دکترین حقوق کیفری، نظام‌های کیفری جهان معاصر غرب به دو گروه نظام حقوقی کامن‌لا و نظام حقوقی رومی-ژرمنی تقسیم می‌شوند. نظام کامن‌لا، نظامی مبتنی بر عرف بوده و ابتدا در انگلستان به وجود آمده و پس از آن مبنای کلی نظام حقوقی ایالات متحده را نیز شکل داده است. حقوق رومی-ژرمنی هم از قاره اروپا سر برآورده و امروز در کشورهایی مثل فرانسه، آلمان، ایتالیا در حال اجراست؛ البته برخی نظام‌های کیفری دیگر مثل اسلامی و سوسیالیستی، به آسانی در هیچ یک از این دو دسته جای نمی‌گیرند.

نظام حقوقی رومی-ژرمنی این کشورها دستخوش تغییرات شگرفی شده (مهر، ۱۳۹۵: ۱۰۶) و نظام کیفری برخی کشورها به سوسیالیستی تغییر یافته‌اند؛ اما پس از فروپاشی نظام‌های سیاسی کمونیستی مجدداً به حالت سابق برگشتند (عبدی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۵). از طرف دیگر جایگاه و نحوه نقش‌آفرینی پلیس در فرایند دادرسی عمیقاً ریشه در سنت‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور داشته و همین امر منتج به ایجاد تنوع گسترده‌ای در نظام‌های پلیس در کشورها و قاره‌های مختلف جهان می‌شود (جاپقلیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵). تحقیق حاضر در صدد مطالعه تطبیقی جایگاه پلیس و در تحقیقات مقدماتی در دو نظام کیفری معاصر جهان با نظام کیفری ایران است تا مشخص گردد چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین جایگاه پلیس در این نظام‌ها وجود دارد؛ زیرا هدف مطالعات تطبیقی مشخص کردن معایب، محاسن

و شیوه‌های جدید قانون‌گذاری و اجرای قوانین کیفری در راستای ارتقای عدالت کیفری است (جلالی، ۱۳۹۴: ۱۴۲)؛ همچنین پیاده نمودن یک شیوه اجرای قوانین کیفری که از کشورهای دیگر اقتباس شده است، بدون توجه به وضعیت کشوری که قرار است آن وضعیت و روش در آنجا پیاده شود، می‌تواند مشکلات عمده‌ای را برای سیستم تقنینی و اجرایی آن کشور فراهم نماید؛ بنابراین یکی از بخش‌های مهم مطالعات تطبیقی، تعیین و پیش‌بینی آثار اجرای پیشنهادها و راهکارها در کشور مقصد است که با توجه به دامنه گسترده موضوع جایگاه پلیس در اینجا به برخی از آنها اشاره شده است. در این تحقیق ضمن معرفی مختصر نظام حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی، جایگاه پلیس در این نظام‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران مقایسه و برخی از نقاط ضعف و قوت آن تبیین شده است و این پرسش که جایگاه پلیس در فرایند تحقیقات مقدماتی در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی چیست و نقاط ضعف و قوت جایگاه تعریف شده برای پلیس در این نظام‌ها با تکیه بر نظام کیفری ایران چیست، پرداخته شده است.

۱- مبانی نظری

هرچند نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی به عنوان نظام‌های بزرگ کیفری جهان به طور عموم شناخته شده هستند؛ اما توضیح خاستگاه و ساختار این نظام‌های کیفری می‌تواند به درک بهتر نحوه شکل‌گیری جایگاه پلیس در این نظام‌ها کمک نماید. در نظام حقوقی کامن‌لا،^(۱) اساساً حقوق ساخت دست قضاوت بوده و با قوانین

مصوب قوه مقننه در سایر کشورها قابل تمایز می‌باشد. قاضی در این نظام، به هنگام طرح دعوی جدید به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوای رسیدگی شده قبلی پرداخته و در صورت شباهت حکم مشابه صادر می‌نماید. این رویه پیروی از آرای گذشته (بگذار حکم جاری شود) نام دارد. کامن‌لا پایه نظام‌های کیفری برخی از کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلستان بوده و به جهت مشترک بودن این نظام برای همه بخش‌های انگلستان و ولز آن را کامن‌لا می‌نامند (شیدائیان، ۱۳۹۵: ۱۷۴). حدود نیمی از نظام‌های کیفری جهان که اکثراً کشورهای انگلیسی زبان می‌باشند، از نظام کیفری این کشور الگوبرداری کرده‌اند. کشورهایی که تابع این نظام هستند عبارت‌اند از: ایالات متحده آمریکا، مالزی، سنگاپور، بنگلادش، پاکستان، سریلانکا، هند، کامرون، کانادا، ایرلند، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، زیمبابوه، استرالیا و هنگ کنگ.

نظام حقوقی رومی-ژرمنی،^(۲) برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا، به حقوق نوشته معروف است و مبنای تصمیم‌گیری قضات، قوانین مدون بوده و استناد به عرف به صورت محدود صورت می‌گیرد. به این صورت که قاضی دادگاه ممکن است بر مبنای عرف و عادت حکم دهد؛ لکن این عرف و عادت با عرف و سابقه در نظام حقوقی کامن‌لا فرق دارد. در نظام رومی-ژرمنی، ارجاع به عرف به موجب قانون است، یعنی نص قانون باید آن را تجویز کند؛ بنابراین در حقوق رومی-ژرمنی هنگامی عرف به عنوان دومین منبع مهم حقوق مطرح است که قانون مدون وجود نداشته باشد،



آمریکا به عنوان یکی از کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا مقامی به نام بازپرس همانند کشور انگلستان وجود ندارد (Clark.J, 2010) و در صورت دستگیری متهم، پلیس باید بلافاصله و بدون تأخیر غیرموجه، او را نزد قاضی دادگاه بدوی حاضر نماید.

وظیفه پلیس انگلستان از زمان کشف جرم شروع می‌شود و مأموران پلیس در این کشور پیش از شروع به تعقیب، مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم مذکور می‌باشند؛ بنابراین وظیفه پلیس در انگلستان همانند وظیفه یک مأمور تحقیق در نظام عدالت کیفری است. در این کشور که نمونه بارز نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد، پلیس در برخی شرایط و اوضاع و احوال و در دسته‌ای از جرایم می‌تواند با صدور یک اخطار پرونده‌ای را مختومه کند. وزارت کشور انگلستان با صدور بخشنامه‌هایی تلاش دارد تا پلیس را ترغیب کند که از طریق اخطار، قضازدایی را افزایش داده و استفاده از تعقیب کیفری رسمی را کاهش دهد (جافریان، ۱۳۹۵: ۲۱).

۴- جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری فرانسه

در فرانسه به عنوان مهم‌ترین کشور تابع نظام حقوقی رومی- ژرمنی، افسران پلیس قضایی شخصاً بر اساس تعلیمات دادستان، نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی اقدام می‌کنند و این اقدامات تحت نظارت دادستان انجام می‌گیرد. در صورتی که دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به افسران پلیس قضایی محول کند، مهلت مشخصی را تعیین نموده و در صورتی که افسران پلیس رأساً تحقیقات مقدماتی را آغاز نموده باشند، مکلفاند ظرف شش ماه از تاریخ

به موجب ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری از جمله پلیس، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ب) جایگاه سلسله مراتبی میان دادسرا و پلیس (مدل ارتباط عمودی یا تک‌بعدی)

در نظام تفتیشی که در آن سلسله مراتب میان دادسرا و پلیس به وجود آمده، پلیس اختیارات کمی در تصمیم‌سازی برای انجام تحقیقات مقدماتی داشته و تنها اختیاری که در این نظام‌ها برای پلیس در نظر گرفته شده، حق انجام اقدامات لازم در جرایم مشهود، در راستای جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن ادله جرم می‌باشد. در چنین نظام‌هایی به جهت حفظ حقوق شهروندی و کاهش احتمال نقض آن از سوی پلیس، اختیارات همانند تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب مجرمین و متخلفین حتی در جرایم کم‌اهمیت نیز به پلیس داده نمی‌شود.

۳- جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در کشور انگلستان

در نظام حقوقی کامن‌لا، ترتیب خاصی برای انجام تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی شده، ولی در کشورهای تابع این نظام، معمولاً تفاوت‌های محسوسی در این زمینه مشاهده می‌شود. در نظام حقوقی

چنین عرفی باید با قدرت سیاسی یا نیروی الزام‌آور همراه باشد. بدین گونه سرشت و ماهیت عرف تا هنگامی که دادگاه‌ها قانونی بودن و نیروی الزام‌آور آن را تعیین نکرده‌اند از نظر حقوقی بی‌ارزش است (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۵۴). برخی از کشورهای دارای حقوق رومی- ژرمنی عبارت‌اند از: ژنیر، رواندا، بوروندی، سومالی، جزیره موریس جزایر سیشیل، ترکیه، عراق، اردن و ایران (مختلط).

۲- جایگاه پلیس از نظر نحوه تعامل با دستگاه قضایی در نظام‌های کیفری

بر اساس جایگاهی که برای پلیس در نظام‌های کیفری مختلف و کشورهای تابع آن ترسیم می‌شود مدل‌های مختلفی قابل ارائه است که از بین آنها دو مدل زیر اهمیت بیشتری نسبت به بقیه دارند.

الف) جایگاه غیر سلسله مراتبی میان دادسرا و پلیس (مدل ارتباط افقی یا شبکه‌ای)

در نظام حقوقی کامن‌لا، پلیس به عنوان نهادی نیمه‌مستقل از دستگاه قضایی و با اختیارات زیادی در رابطه با برخورد با جرایم و نقش‌های متنوع در فرآیند دادرسی و تعقیب متهمین تعریف شده است. در برخی از کشورهای دارای این نظام، همانند پلیس انگلستان، جایگاه پلیس تا به آنجا ارتقا می‌یابد که حتی در مقام صدور کیفرخواست در جرایم کم‌اهمیت برآمده و این اجازه به پلیس داده می‌شود تا با تصمیماتی که به اطلاع مقام قضایی می‌رسد، از ورود جرایم کم‌اهمیت به دادسرا جلوگیری کند. اختیار گسترده و آغازین پلیس، اختیار محدود و ثانویه دادسرا و روابط افقی، از مشخصه‌های این جایگاه است (مهدوی ثابت، ۱۳۹۸: ۲۱۳).



شروع آن گزارش، نحوه پیشرفت کار را در اختیار دادستان قرار دهند. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلیس قضایی به عنوان نهادی که دارای هویت دوگانه پلیسی و قضایی می‌باشند در کلیه جرایم وظیفه تحقیقات مقدماتی را بر عهده دارد؛ همچنین مقامات قضایی همانند بازپرس ویژه قتل، در اداره پلیس استقرار دارند و در بسیاری از موارد همراه با مأموران پلیس در صحنه جرم حاضر می‌شوند و مقامات پلیس دارای تجربه و تحصیلات حقوقی می‌توانند ارتقا پیدا کرده و به عنوان مقام قضایی در دستگاه قضایی فعالیت نمایند که این افراد به دلیل پیشینه خدمتی در سازمان پلیس و آشنایی به خرده فرهنگ سازمانی تعامل بهتری با مأموران پلیس در تحقیقات مقدماتی دارند (فروغی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

۵- جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری آلمان

ساختار پلیس هم مانند بسیاری از مؤسسات دیگر آلمانی، تحت قوانین مشخص اداره فدرال ایجاد شده است. در آلمان ۱۶ اداره ایالتی پلیس در ۱۶ ایالت آن وجود دارد که همه در سطح کل کشور با اداره پلیس فدرال (BP) و اداره پلیس جنایی فدرال (BKA) همکاری دارند. در کشور آلمان اداره مرکزی پلیس جمهوری فدرال آلمان یکی از مهم‌ترین ادارات بازجویی و تحقیق است. رئیس دادستانی فدرال اختیار سپردن وظایف محوله به هر یک از ادارات پلیس و همچنین هدایت اداره جنایی فدرال را بر اساس اختیارات خود مطابق قانون اساسی دادگاه فدرال (ماده ۱۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری) خواهد داشت. در ابتدا، عمدتاً شیوه محاکمه علنی هم موضوع فعالیت بازجویی و تحقیق

اداره جنایی فدرال بود (نجفی علمی، ۱۳۹۷: ۱۷). قانون اداره جنایی فدرال به عنوان آخرین قانون نسل جدید در تاریخ شدن اداره فدرال جنایی را در وظایف مختلف به این شرح مقرر می‌کرد:

- اداره مرکزی امور اخبار و اطلاعات پلیسی برای پلیس جنایی؛
- تعقیب جرایم و مجازات و تبادل اطلاعات ضروری با ادارات دیگر کشورها؛
- اقدامات خاص در زمینه تعقیب جرم؛
- حفاظت از اعضای نهادهای قانون اساسی فدرال؛
- حفاظت از شهود در محاکم جزایی انجام شده در اداره جنایی فدرال.

۶- جایگاه پلیس در انجام تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران

در ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ عنوان شده است: «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است»، لذا از نظر قانون، تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم بر عهده بازپرس بوده و اسمی از پلیس و سایر ضابطان به عنوان نهاد دارای مسئولیت اصلی در فرایند تحقیقات مقدماتی به میان نمی‌آید و پلیس ضابط مقام قضایی محسوب می‌شود و تحت تعلیمات و نظارت مقامات قضایی و بر اساس قانون انجام وظیفه می‌کند.

به موجب ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری از جمله پلیس، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی

به موجب قانون اقدام می‌کنند. هر یک از وظایف یادشده پلیس در مقام ضابط، منوط به وجود مقدمات و احراز شرایطی می‌باشد که در عمل و در رویه قضایی به طور کامل رعایت نمی‌شود. احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم و گذراندن دوره‌های آموزشی و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است و علی‌رغم اینکه به صراحت ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری انجام تحقیقات از سوی افراد غیرضابط ممنوع و فاقد اعتبار می‌باشد و حتی در ماده ۶۳ قانون پیش‌گفته ضمانت اجرای کیفری برای آن در نظر گرفته شده است؛ در عمل، بسیاری از موارد به دلیل عدم نظارت مقامات قضایی و همچنین عدم آگاهی طرفین دعوا، تحقیقات و وظایف ضابطان، توسط کارکنان فاقد کارت ضابط انجام می‌شود. لازم به توضیح می‌باشد، اگرچه برابر ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، کارکنان فراجا، مأموران وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند، لیکن صرفاً کارکنان هر یک از سازمان‌های پیش‌گفته بودن برای ضابط محسوب شدن کفایت نمی‌کند، بلکه کارکنانی از سازمان‌های مذکور ضابط محسوب می‌شوند که کارت ضابط تحصیل نموده باشند.

برابر ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. از مهم‌ترین مقررات قانونی، مقررات مربوط به کشف جرم می‌باشد. به موجب مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون مذکور، بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود منوط به اجازه موردی



کیفری مورد مطالعه از نظر جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی و نحوه انجام آن دارای مشکلاتی هستند که مهم‌ترین آنها در این قسمت به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷-۱- ضعف تعامل اثربخش بین پلیس و دادسرا در نظام حقوقی رومی - ژرمنی و ایران

تعامل پلیس و دستگاه قضایی معمولاً در چارچوب آیین دادرسی حقوقی رومی - ژرمنی صورت می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول (۱) مشخص شده است در نظام حقوقی رومی - ژرمنی و ایران، این نوع تعامل به دلیل جایگاه قانونی که دارد بیشتر از اینکه تعامل باشد، موضوع ضابط مقام قضایی بودن پلیس را مطرح می‌کند و به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند در این نوع نظام‌های کیفری به جای تعامل باید از تبعیت پلیس از مقام قضایی صحبت شود؛ اما برابر جدول شماره (۱)، در نظام حقوقی کامن‌لا، به دلیل افقی بودن ارتباط و مستقل بودن پلیس به جای تبعیت پلیس از دادسرا، موضوع تعامل بین دو نهاد مطرح می‌شود و حتی در برخی موارد همانند تصمیم در خصوص قرار دادن پرونده در فرایند تعقیب، دادسرا به دنبال جلب نظر پلیس می‌باشد.

در پاسخ به کسانی که معتقد به تبعیت مطلق پلیس از دادسرا هستند می‌توان گفت که حتی وظایف قانونی نیز برای اینکه در سطح قابل قبول انجام بگیرند، به ناچار باید آمیخته‌ای از تعامل و همکاری داشته باشند؛ به عنوان مثال بازجویی یکی از ابزارهای تحقیقات مقدماتی است که زمان و انرژی فراوانی از پلیس می‌برد و در صورت انجام صحیح، نتایج خوبی در پرونده منعکس می‌نماید؛ اما بازجویی از

نیروهای مسلح بوده و از سوی دیگر تحت نظارت و ریاست دادستان و مقامات قضایی باشند و در برخی موارد جمع بین وظایف ضابط بودن و تأمین نظرات سلسله‌مراتب فرماندهی ممکن نمی‌باشد. ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً اعلام می‌دارد، ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است. در مواردی سلسله‌مراتب فرماندهی ضابطان، به دلایل مختلف نظر به عدم اعلام به موقع جرایم به مقامات قضایی دارند، در حالی که به موجب قانون، ضابطان مکلف به اعلام جرم می‌باشند. هرچند در ماده ۶۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۷۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در چنین مواردی برای فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است، لیکن با عنایت به اینکه حقوق و مزایا، جایگاه شغلی، انتصابات ضابطان و نقل و انتقالات آنان با فرماندهان و رؤسای آنها می‌باشد و از سویی مقامات قضایی نیز نظارت کافی بر عملکرد ضابطان ندارند، این موضوع سبب می‌گردد ضابطان قضایی به وظایف قانونی خود عمل ننمایند؛ لذا شایسته است در این خصوص ضابطان دادگستری تحت نظارت و ریاست کامل مقامات قضایی قرار گیرند تا علاوه بر پیشگیری از هرگونه اعمال نفوذ، سلسله‌مراتب فرماندهی با پرهیز از انجام کارهای غیرمرتبط نظامی و انتظامی به صورت تخصصی و خاص به وظایف ضابط بودن خود بپردازند.

۷-۲- نقاط ضعف و قوت جایگاه پلیس در فرایند تحقیقات مقدماتی

با توجه به نگرش‌ها و نوع نظام حقوقی، سازمان‌های پلیس در هر سه نظام

مقام قضایی می‌باشد؛ اما در بسیاری از موارد، پلیس بدون اجازه موردی مقام قضایی اقدام به توقیف و بازرسی خودرو شهروندان می‌نماید که به موجب قانون، کشف و ادله وقوع جرم بدون رعایت ضوابط و مقررات قانونی ممنوع و بدون اعتبار می‌باشد. در این خصوص می‌توان به دادنامه یکی از محاکم کیفری^(۴) اشاره کرد که مأموران انتظامی در حین گشت زنی به خودرویی مشکوک و بعد از متوقف نمودن خودرو و رؤیت مدارک مربوطه، اقدام به بازرسی خودرو و نهایتاً کشف مشروبات الکلی دست‌ساز در داخل خودرو می‌نمایند که پس از ارجاع به دادسرا و صدور کیفرخواست از سوی دادستان، دادگاه مذکور با این استدلال که به تصریح ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی اشیاء، از جمله خودرو شهروندان، حتی در مواردی که حسب قرائن و امارات ظن قوی به کشف آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، باید به دستور مقام قضایی باشد؛ در نتیجه ضابطان نمی‌توانند خودسرانه به بهانه مشکوک شدن مبادرت به بازرسی خودرو نمایند و با توجه به اینکه گزارش ضابطان تنها دلیل وقوع جرم بوده که برابر ماده ۳۶ قانون فوق‌الذکر فاقد اعتبار می‌باشد، حکم به براءة متهم صادر نموده است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی^(۵) استدلال فوق‌الذکر را تأیید نموده است.

کارکنان پلیس و ضابطان دادگستری در تفکیک بین وظایف ضابط بودن و وظایف خاص نظامی و انتظامی در عمل با مشکلاتی مواجه می‌باشند. کارکنان پلیس در انجام وظایف محوله از یک‌سو باید تحت نظارت و فرماندهی و تبعیت از سلسله‌مراتب فرماندهی در

چه کسی باید صورت بپذیرد؟ اگر مقام به نظر پلیس به هیچ عنوان در مظان بازجویی اصرار ورزد، تقابل بین پلیس و قضایی در چهارچوب اختیارات خود، اتهام قرار ندارد و پس از اخذ توضیحات دستگاه قضایی جایگزین تعامل می‌شود دستور بازجویی از فردی را بدهد که پلیس همچنان در نظرات خود مبنی بر (گلدوست جویباری، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

جدول ۱- مقایسه جایگاه پلیس در فرآیند تحقیقات مقدماتی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، رومی-ژرمنی و نظام کیفری ایران

مشخصه	نظام حقوقی کامن‌لا	نظام حقوقی رومی-ژرمنی	نظام کیفری ایران
دریافت و ثبت شکوائیه	مکلف به دریافت شکایت بوده؛ ولیکن دارای اختیار در خصوص ثبت یا عدم ثبت آن است.	مکلف به دریافت و ثبت شکایت توسط پلیس قضایی و ارسال به دادسرا با اعلام نظر می‌باشد.	مکلف به دریافت و ثبت و ارسال به دادسرا و اجرای دستورات صادره از دادسرا می‌باشد.
امکان اخذ تأمین از متهم	در مرحله تحقیقات مقدماتی از اختیارات پلیس است.	برخی مواقع به پلیس قضایی تفویض می‌شود.	توسط پلیس ممنوع است و امکان تفویض ندارد.
تصمیم‌گیری برای تعقیب	پلیس اختیار تصمیم‌گیری در خصوص عدم تعقیب برخی از جرایم کم‌اهمیت و تخلفات کوچک و بایگانی پرونده و ارسال آن به دادسرا را دارد.	فقدان اختیار پلیس برای تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب یا عدم تعقیب پرونده. امکان اخطار و بایگانی پرونده و اعلام آن به دادسرا وجود دارد.	فقدان اختیار پلیس برای تصمیم‌گیری در خصوص تغییر و عدم تعقیب پرونده به نحوی که جرم کم‌اهمیت نیز باید منتهی به تشکیل پرونده شود.
مسئولیت تحقیقات مقدماتی	مسئولیت کامل تحقیقات مقدماتی بر عهده پلیس است.	دادستان و بازپرس مسئول تحقیقات بوده و دادسرا فقط می‌تواند توصیه به برخی تحقیقات نماید.	بازپرس مسئول تحقیقات مقدماتی بوده و ضابطان دادگستری مکلف به اجرای دستورات هستند.
روابط بین پلیس و دادسرا	افقی-شبکه‌ای	عمودی-سلسله مراتبی	عمودی-سلسله مراتبی
طرح دعوی در دادگاه	توسط دادستان و پلیس به صورت مشارکتی و با همکاری هم انجام می‌شود.	توسط دادستان با همکاری پلیس قضایی برای ارائه ادله انجام می‌شود.	توسط دادستان بدون حضور پلیس
اجرای احکام کیفری	توسط پلیس بر مبنای رأی دادگاه انجام می‌شود.	توسط دادستان با همکاری پلیس قضایی انجام می‌شود.	توسط دادستان با همکاری ضابط دادگستری
رسیدگی به جرایم و تخلفات پلیس	با اعلام جرم توسط نهاد نظارتی پلیس، در کمیسیون مستقل رسیدگی به جرایم پلیس انجام می‌شود.	با اعلام جرم دادستان یا سایر مقامات قضایی در دادگاه عمومی با حضور نماینده رسیدگی می‌شود.	با اعلام جرم دادستان یا سایر مقامات در دادگاه‌های کیفری رسیدگی می‌شود.



۷-۲- تغییر مداوم قوانین مرتبط با جایگاه پلیس در نظام کیفری ایران

برخی از آسیب‌های مرتبط با جایگاه پلیس در فرایند دادرسی به نحوه قانون گذاری در خصوص اختیارات پلیس و تعریف نقش او در آیین دادرسی کیفری مربوط می‌شود. قوانین مربوط به ضابط بودن پلیس در ایران به دفعات دستخوش تغییر شده و در نتیجه جایگاه پلیس در فرایند کیفری را تحت تأثیر قرار داده است. هرچند هدف تغییرات بر این بوده که مشکلات و موانع دادرسی عادلانه برطرف و جایگاه پلیس در فرایند دادرسی اصلاح گردد، لیکن در برخی از موارد تدوین مقررات جدید یا حذف و ایجاد نهادهای همانند پلیس قضایی مشکل ساز بوده است (تبریزی، ۱۳۹۶: ۱۶۲)؛ اما برخی مشکلات مربوط به جایگاه پلیس همانند ارزش گزارش پلیس و یا تعیین دقیق ضابطان عام و خاص دادگستری در اصلاحات سال‌های اخیر حل و فصل شده است.

۷-۳- اقرار محصور بودن تحقیقات پلیس در نظام‌های کیفری تفتیشی

اصل بر این است که اقرار به عنوان یکی از دلایل در کنار سایر ادله اثبات مورد استناد قرار گیرد؛ اما تأکید بیش از اندازه بر اخذ اقرار متهم با حقوق شهروندی همخوانی ندارد (فلاح، ۱۳۹۱: ۷۵). بر اساس قانون، پلیس مکلف شده تا حق سکوت متهم در هنگام دستگیری را به او یادآوری نماید و برخی از مأموران پلیس بر این اعتقاد هستند، اقراری که بدون وقفه زمانی توسط پلیس در بازجویی مقدماتی از متهم اخذ می‌شود به نوعی بیان مطلب و کاشف از واقعیت است و اگر حق سکوت متهم به وی گوشزد شود ممکن است در فاصله زمانی دستگیری تا تحویل به دادگاه در اثر ملاقات با وکیل

و یا اطرافیان اتهام وارد شده را انکار کند که این دیدگاه به دلیل تداخل و نقض حقوق شهروندی مردود می‌باشد (عبدی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

۷-۴- پویا نبودن مدل‌های مورد استفاده در دستگاه قضایی برای ارتباط بین پلیس و دادسرا

در قانون آیین دادرسی کیفری به صورت مطلق، نظارت و ریاست و حتی آموزش پلیس بر عهده دادستان قرار داده شده و این رابطه از نظر قانونی چالشی به همراه ندارد؛ اما از نظر اجرایی در برخی موارد منتهی به چالش می‌شود، زیرا ممکن است نحوه رفتار مقام قضایی با پلیس تحت تأثیر نگاه ریاستی صورت بگیرد.

در کشور فرانسه که از نظام رومی-ژرمنی تبعیت می‌کند با طبقه‌بندی ضابطان دادگستری این امکان فراهم شده تا ارزش و اعتبار سال‌ها تجربه ضابطان دادگستری حفظ شده و در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی مورد استفاده قرار گیرد؛ اما در نظام کیفری ایران این تفکیک وجود نداشته و مأموران پلیس بدون طبقه‌بندی و به صورت کلی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند (رضایی فر، ۱۳۹۴: ۱۳).

۸- چالش‌های مرتبط با ارزش گزارش ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ایران، گزارش ضابط ارزش اماره قضایی داشته و در صورتی دارای اعتبار بوده که مورد وثوق مقام قضایی باشد؛ بنابراین گزارش مأموران پلیس را به خودی خود دارای اعتبار ندانسته و رد اعتبار آن از طرف مقامات قضایی را نیازمند استدلال نمی‌دانست؛ اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ارتقای ارزش استنادی گزارش ضابط

مورد توجه قرار گرفت؛ به این صورت که در قانون سابق دو شرط موثق بودن و مورد اعتماد بودن برای گزارش ضابطان پیش‌بینی شده بود، ولی در قانون فعلی، مقام قضایی باید با دلیل ثابت کند که گزارش ضابطان درست نیست و می‌توان گفت که ارزش اثباتی گزارش ضابط از اماره قضایی در حد اماره قانونی ارتقا یافته است (وروابی، ۱۳۹۴: ۲۱).

۸-۱- انحلال پلیس قضایی بدون توجه به تبعات آن

اصطلاح پلیس قضایی مربوط به نظام حقوقی رومی-ژرمنی و کشور فرانسه بود که پس از انقلاب اسلامی در ایران سازماندهی گردید. هدف از تأسیس آن، محول نمودن امور شروع پرونده‌های کیفری به افراد متخصص و آموزش دیده بود که تحقق پیدا نکرده و با تصویب قانون ادغام نیروهای چهارگانه^(۶) منحل شد. برابر جدول شماره (۲) انحلال پلیس قضایی (همان‌گونه که چند سال بعد مشخص گردید) یکی از چالش‌های فرآیند دادرسی در ایران را به وجود آورد (احمدی آهنگرانی، ۱۳۹۰: ۴۵).

۸-۲- محدود بودن وظایف پلیس در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی به امور جنایی و قضایی

در اکثر کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا، پلیس در قالب یک شغل صنفی اقدام به انجام مأموریت نموده و حتی دارای اتحادیه اصناف نیز می‌باشد؛ اما در قانون تشکیل نیروی انتظامی، قانون‌گذار برای پلیس ۲۶ مأموریت پیش‌بینی کرده و به همین خاطر پلیس از وظایف ذاتی خود فراتر رفته و در بسیاری از موارد به دلیل اینکه جزو نیروهای مسلح محسوب می‌گردد، بیشتر انرژی سازمانی در اموری که جدای

از وظایف پلیس قضایی است؛ همانند مرزبانی یا راهنمایی و رانندگی که می‌تواند توسط ارتش و شهرداری انجام پذیرد، صرف می‌شود (روایی، ۱۳۹۴: ۲۱۴).

۸-۳- اتخاذ شیوه‌های جدید برای رسیدگی به جرایم پلیس در نظام حقوقی کامن‌لا

با اینکه مجازات مأمورانی که در نتیجه تیراندازی غیرمجاز، شهروند بی‌گناه را به قتل می‌رسانند، بازدارندگی عمومی و آموزش هنجارهای اساسی جامعه را در پی دارد؛ اما در کشور انگلستان، کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات علیه پلیس، به تیراندازی‌های غیرمجاز پلیس بادیگام حمایتی و بادر نظر گرفتن نظرات کارشناسان بی‌طرف رسیدگی کرده

و این امر از حیث بی‌طرفی مقام رسیدگی کننده مطلوب می‌باشد (موسوی مقدم، ۱۳۹۱: ۲۳۱).

۸-۴- استفاده از کارکنان وظیفه در امور قضایی در کلاتری‌ها

وقتی که مجموعه وظایف و مأموریت‌های حساس و مهم محول شده به یک سازمان، بیش از میزان نیروی انسانی و ظرفیت‌های آن سازمان در انجام این وظایف و مأموریت‌ها باشد؛ آن دسته از قوانین کیفری را که در نظر آنان در درجه اهمیت و ضرورت بالایی قرار دارد و عدم اجرای آنها دارای عواقب وخیم برای خود مأموران و همچنین شهروندان است را در اولویت اول قرار خواهند داد (دعاگویان، ۱۳۹۰: ۴۵۳).

در نظام‌های کیفری، پلیس غیر تخصصی معنایی ندارد؛ اما در نظام کیفری ایران هنوز هم از پلیس غیر تخصصی استفاده می‌شود. با وجود اینکه برابر قانون، کارکنان وظیفه ضابط محسوب نمی‌شوند؛ اما به دلیل کمبود نیرو، در حالی که دارای تجربه و تعهد کافی نیستند، برخی مأموریت‌ها به آنها سپرده شده و این وضع در برخی مواقع تا جایی پیش می‌رود که مسئولان پلیس مجبور به واکنش می‌شوند؛ به عنوان مثال طرح ممانعت از صدور برگ جرمیه به وسیله افسران وظیفه یکی از این عکس‌العمل‌های مسئولان در قبال عدم کارایی این پرسنل می‌باشد.

جدول ۲- نقاط قوت و ضعف جایگاه پلیس در تحقیقات مقدماتی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، رومی-ژرمنی و ایران

تقسیم‌بندی	نظام حقوقی کامن‌لا	نظام حقوقی رومی-ژرمنی	نظام کیفری ایران
نقاط قوت	استقلال پلیس، باعث پویایی و خلاقیت در تحقیقات مقدماتی شده و آن را تقویت می‌کند.	وجود پلیس قضایی تا حدودی پویایی پلیس را حفظ کرده است.	پویایی و خلاقیت پلیس منوط به میزان اختیارات محوله از مقام قضایی می‌باشد.
	با تثبیت جایگاه پلیس، بروکراسی کاهش پیدا کرده و به تبع آن اطلاع دادرسی نیز کاهش می‌یابد.	ایجاد نهاد پلیس قضایی و تعامل با دادسرا در راستای کاهش بروکراسی بوده است.	تابعیت دوگانه پلیس بروکراسی و به تبع آن به اطلاع دادرسی منجر می‌شود.
	با کاهش بروکراسی و اعطای اختیارات شاهد کاهش هزینه‌های تحقیقات مقدماتی هستیم.	پلیس قضایی تخصصی شده و کاهش هزینه‌ها را به همراه داشته است.	اقدامات موازی در امور تحقیقات جنایی، هزینه‌ها را افزایش داده است.
	با حذف مجوزهای غیرضروری، انعطاف و سرعت در تصمیم‌گیری در واکنش بر علیه جرم افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند.	امکان اخذ مجوزها از طریق پلیس قضایی تا حدودی سرعت را افزایش می‌دهد؛ اما بروکراسی وجود دارد.	تعامل غیررسمی بین پلیس و دستگاه قضایی در افزایش سرعت مؤثر بوده ولیکن بروکراسی شدید حاکم است.
	به دلیل وابستگی متقابل، تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی تبدیل به تقابل بین این دو نهاد نمی‌شود.	تعامل رسمی و غیررسمی پذیرفته شده در چهارچوب پلیس قضایی انجام می‌شود.	بیشتر از تعامل بر تابعیت تأکید می‌شود، ولی تعامل نسبی وجود دارد.
نقاط ضعف	اختیارات گسترده پلیس ممکن است در برخی موارد غیرقابل کنترل و باعث نقض حقوق شهروندی شود.	اختیارات پلیس محدود بوده و حقوق شهروندی بهتر رعایت می‌شود.	اختیارات پلیس محدود بوده و حقوق شهروندی بهتر رعایت می‌شود.
	به دلیل استقلال پلیس، درک و شناخت متقابل در خصوص اهداف و سیاست پلیس و دستگاه قضایی کافی نیست.	در سیاست‌گذاری‌های دستگاه قضایی، پلیس قضایی نیز مشارکت دارد و شناخت متقابل ایجاد می‌شود.	پلیس تحت نظارت و آموزش دادستان قرار داشته و با اهداف سیاست دستگاه قضایی آشنا می‌شود.
	به دلیل اختیارات گسترده پلیس و استقلال آن از دادسرا، تعامل کمتری بین پلیس و دستگاه قضایی شکل می‌گیرد.	تعامل پلیس و دستگاه قضایی در چهارچوب پلیس قضایی و به صورت مطلوب انجام می‌گیرد.	تعامل پلیس و دستگاه قضایی به دلیل تابعیت پلیس از دادسرا تنها به حوزه غیررسمی محدود می‌شود.



برآمد

جایگاه پلیس در نظام‌های کیفری از مدل‌های مرتبط با سیاست جنایی کشورهای تابع آن تبعیت می‌کند. در نظام حقوقی کامن‌لا به دلیل تکیه آن بر شیوه دادرسی اتهامی جایگاه پلیس تحت تأثیر ارتباط شبکه‌ای میان پلیس و دستگاه قضایی قرار دارد که نتیجه آن استقلال پلیس و وابستگی متقابل بین این نهاد و دستگاه قضایی می‌باشد. برای پی بردن به محاسن و معایب جایگاه پلیس در این نظام باید به این نکته توجه داشت که در کشورهای تابع نظام کامن‌لا، پلیس به عنوان مظهر قدرت مردم تلقی شده است، نه حاکمیت و در نتیجه اعطای اختیارات وسیع به پلیس در واقع اعطای اختیارات به نمایندگان جامعه محسوب می‌شود؛ زیرا پلیس در این کشورها از بطن مردم و توسط مردم پایه‌گذاری شده است.

از ابتدای شکل‌گیری پلیس در نظام حقوقی کامن‌لا، اختیارات بسیار گسترده‌ای به این نهاد داده شده و تا سال‌های اخیر حتی تعقیب و طرح موضوع در دادگاه نیز با پلیس بوده است؛ اما مستند به اصل تفکیکی مقام تعقیب از تحقیق، نهاد تعقیبی همانند دادسرا نیز در این نظام به وجود آمده، ولیکن به هیچ عنوان در سلسله‌مراتب پلیس قرار نگرفته است. اعطای اختیارات گسترده به پلیس در نظام حقوقی کامن‌لا از نظر موافقان باعث پویایی و خلاقیت پلیس و دستگاه قضایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های کیفری و انعطاف و سرعت در تصمیم‌گیری و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای شده است؛ اما از نظر مخالفان این امر موجب گردیده تا اختیارات پلیس بسیار گسترده و غیرقابل کنترل شود و ارتباط افقی بین پلیس و دستگاه قضایی موجب گردد که درک و شناخت کافی از وظایف و اهداف یکدیگر نداشته و با وجود اعطای اختیارات گسترده به پلیس اختیارات محدودی به دادسرا در تعقیب تخلفات و جرایم پلیس داده شود و در نهایت منتهی به تعامل حداقلی بین پلیس و دادسرا گردد؛ اما در نظام حقوقی رومی- ژرمنی و کشورهای تابع آن و همچنین کشورهایی مانند ایران که شاکله این نظام را در تعریف جایگاه پلیس به کار گرفته‌اند، پلیس در تابعیت دادسرا قرار داشته و به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های دستگاه قضایی تحت عنوان ضابط دادگستری مکلف به اجرای دستورات مقام قضایی است؛ بنابراین پلیس اختیاری در تعقیب و کشف جرایم بدون هماهنگی با مقام قضایی نداشته و ارتباط بین پلیس و دستگاه قضایی به خصوص دادسرا به صورت سلسله‌مراتبی و عمودی بوده و در این وضعیت پلیس مجری دستورات مقام قضایی می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۸- رحیمی، علی، بررسی تطبیقی نقش ضابطان در فرآیند دادرسی کیفری

فرانسه و ایران، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۹۴

۹- شیدائیان، مهدی، شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق

انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۵

۱۰- طاهری، آزاده، آشنایی با تقسیم‌بندی جدید از نظام حقوقی جهان، فصلنامه

اطلاع‌رسانی حقوق، ۱۳۹۵

۱۱- عابد، رسول، فرایند دادرسی کیفری اطفال در نظام حقوقی انگلستان و

ولز، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۰

۱۲- عبدی نژاد، صالح، رویکرد پلیس به چگونگی اجرای قوانین کیفری در

ایران، فصلنامه علوم پژوهشی مطالعات دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۹

۱۳- عبدی نژاد، صالح، حق سکوت متهم در نظام تقنینی ایران با تکیه بر

جرم‌یابی توسط پلیس، فصلنامه پژوهش‌های نظم و امنیت اجتماعی پژوهشگاه علوم

انتظامی، ۱۳۹۶

۱۴- فروغی، فضل‌الله، مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای

تحقیقات مقدماتی، ایران و آمریکا، مجله تحقیقات دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳

۱۵- فلاح، عبدالعظیم، میزان اعتبار گزارش ضابط دادگستری در تصمیمات

قضایی، فصلنامه تعالی حقوق قوه قضاییه، ۱۳۹۱

۱۶- مهدوی ثابت، محمدعلی، نقد و بررسی مدل ارتباط شبکه‌ای میان دادسرا و

پلیس در فرایند کیفری، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۸

۱۷- موسوی مقدم، محمد، حقوق ضابطان دادگستری، انتشارات حقوق امروز، چاپ

اول، ۱۳۹۱

۱۸- نجفی علمی، مرتضی، مطالعه تطبیقی جرم‌یابی جرایم سازمان‌یافته در

پلیس ایران و آلمان، مجله کارگاه، ۱۳۹۷

۱۹- وروایی، اکبر، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری، فصلنامه

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴

20- elark.J.Criminal Investigation: Reform of police procedures and practices. Law reform commission, port Louis republic of Mauritius. 2010

21- kirby.LProcedural justice and police officers: The forgotten perspective. At retrieveel. Forgotten2018 .

۱- خاستگاه این نظام حقوقی به‌طور عمده، کشورهای فرانسه و آلمان بوده و در اصطلاح به نظام کیفری حقوق نوشته معروف هستند.

2- Common law

3- Civil law

۴- دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۴۵۰۰۰۶۴ مورخه ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ بخش رودهن.

۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۳۰۵ مورخه ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ اداره حقوقی قضایی قوه قضاییه.

۶- شهربانی، ژاندارمری، کمیته‌های انقلاب اسلامی و پلیس قضایی چهار نهادی بودند که از ادغام آنها در سال ۱۳۷۰ نیروی انتظامی در ایران تشکیل شد.

فهرست منابع

۱- احمدی آهنگرانی، حسن، ضرورت احیای پلیس قضایی به عنوان ضابط تخصصی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در حقوق و فرهنگ، ۱۳۹۰

۲- تبریزی، صادق، نقش دستگاه قضایی در سیاست جنایی کشور و تأثیر آن در احقاق حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی تاکستان، ۱۳۹۶

۳- چاپلیان، غلام، ساختار پلیس، بررسی تطبیقی الگوهای پلیس، فصلنامه توسعه سازمانی پلیس، ۱۳۹۵

۴- جافریان، احمد، ساختار پلیس، تطبیقی مقایسه اختیارات دادستان در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات، ۱۳۹۵

۵- جلالی، محمد، پلیس اداری، اسمی برای تأمین نظم عمومی، مطالعه مفهوم نظم عمومی در حقوق فرانسه، دو فصلنامه حقوق اداری دانشکده حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴

۶- دعاگوین، داوود، بررسی نحوه تعامل پلیس با شهروندان در اجرای قوانین کیفری و فرآیند دادرسی، طرح تحقیقاتی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۰

۷- رضایی فر، ساسان، بررسی سیر تحول تاریخی ارزش اثباتی گزارش مأموران نیروی انتظامی در مقام ضابطان دادگستری، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۴

